خبر

سی‌ان‌ان:

گزینه‌های ترامپ در قبال ایران محدود است

«سی‌ان‌ان» در تازه‌ترین گزارش از آخرین وضعیت میان ایران و اروپا، سیاست خارجی دولت دونالد ترامپ را به لذت جویدن آدامس تشبیه کرده و می‌نویسد: در این سیاست، هدف لذت بردن از طعم اولیه آدامس است و نه مشغول کردن خود با جویدن یک توده چسبناک برای مدت طولانی. دونالد ترامپ در ماجراجویی‌های جهانی عاشق نتیجه سریع و از بحران طولانی‌مدت متنفر است.

به گزارش ایرنا، نویسنده در ادامه با اشاره به پیش‌بینی‌ناپذیر بودن دونالد ترامپ می‌نویسد: شاید اصلا هدف همین بهره برداری از توانمندی پیش‌بینی‌ناپذیری باشد. درس‌های اندکی که ترامپ از تجربه درگیری‌های قبلی با ایران آموخته، نشان می‌دهد گزینه‌های نظامی او در خلیج فارس محدود است و البته چندان عالی هم نیست.

تجمیع دارایی نظامی و تسلیحاتی امریکا در سواحل و اطراف ایران، کند و سنگین است. ترامپ حدود ۱۹ روز است که احتمال اقدام نظامی را علنی کرده؛ از زمانی که نوشت «کمک در راه است» و دیدار ظاهرا برنامه ریزی شده در حاشیه اجلاس مجمع جهانی داووس میان ایران و امریکا را لغو کرد.

نویسنده با اشاره به اینکه ترامپ در آن مقطع زمانی قدرت آتش کافی را در منطقه برای حمله بزرگ در چنته نداشت، می‌نویسد: این محاسبه به آرامی در حال تغییر است. حمله ژوئن او به تأسیسات هسته‌ای ایران با دو گروه ناو هواپیمابر در منطقه انجام شد؛ بیشتر برای مقابله با هرگونه تلافی ایران تا دخالت مستقیم در حمله. در حال حاضر، ایالات متحده یک گروه ناو هواپیمابر و چندین دارایی دیگر در منطقه مستقر کرده که بسیاری از آن‌ها به راحتی از طریق نظارت منبع‌باز قابل ردیابی هستند.

این تجمع تجهیزاتی و تسلیحاتی، عنصر غافلگیری را از پنتاگون گرفته، اما شاید تفاوت زیادی ایجاد نکند چرا که ایران از زمان حمله ۱۲ روزه اسرائیل، در حالت آماده‌باش کامل قرار گرفته است.

نویسنده با طرح این ادعا که مجموع تحولات دو سال اخیر بخصوص آنچه در طول حمله ۱۲ روزه به ایران رخ داد، این کشور را ضعیف کرده، نوشت: این وضعیت ایران نیز گزینه‌های بهتری به ترامپ نمی‌دهد بلکه ممکن است اتفاقا گزینه‌های در اختیار او را محدودتر کند.

سی ان ان با اشاره به تحولات داخلی در ایران و مسیر اعتراض‌های مردمی که به خشونت کشیده شد، می‌نویسد که ممکن است مجموع شرایط به هدف مدنظر ترامپ منتهی نشود. با اینهمه ترامپ معمولا در مخمصه‌ای که با دستان خودش برای خود درست می کند هم گیر می افتد. به عنوان مثال، ادعاهای علنی و غیرقانونی ترامپ درباره گرینلند نشان می‌داد که او خودش را در گوشه‌ای گیر انداخته و باید عمل کند. اما در نهایت موضع سختگیرانه او زودتر از چیزی که فکرش را می کردیم فروریخت.

برای رئیس‌جمهور چهل و هفتم امریکا، معمولا نمایش خود هدف است. او در۷۴ کلمه درباره دستگیری نیکلاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا می‌نویسد؛ در مورد گرینلند با یک ضربه انگشت عقب‌نشینی می‌کند. برای چندمین بار هم در چندماه اخیر جهان به صفحه اجتماعی او چشم دوخته تا ببیند درباره ایران چه می نویسد.

سی‌ان‌ان در ادامه می‌نویسد: اگر ترامپ احساس کند مجبور به اقدام نظامی است، مسیر ناهموار خواهد بود. حملات دقیق و تک‌نقطه‌ای با الگوی رفتار قبلی رئیس جمهور امریکا مطابقت دارد و اقدام های قبلی او هم نشان داده که عملیاتهای تحت فرمان او معمولاً ترکیبی از اجرای چشمگیر و جسورانه است همراه با درک ظاهراً هوشیار و دقیق از خطرات بعدی.

نویسنده در ادامه ادعا می کند که حمله نظامی به برنامه هسته ای ایران و دستگیری مادورو همه به درستی ناتوانی نسبی طرف مقابل در دفاع یا تلافی را ارزیابی کرده بودند. این عملیات‌ها، برتری نظامی آمریکا را در پنجره‌ای کوتاه اما بسیار قدرتمند به نمایش گذاشت: یک چرخه خبری واحد از اقدام انکارناپذیر و ظاهراً بدون توجه به عواقب، چون واقعاً مشکل آمریکا نبود.

پیشنهاد توافق یا تهدید نظامی؛ راهبرد آمریکا چیست؟

بازی پرریسک ترامپ با ایران

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، بامداد جمعه به‌طور علنی فاش کرد که طی روزهای گذشته تماس‌ها و گفت‌وگوهایی با ایران داشته و قصد دارد مذاکرات تازه‌ای را درباره احتمال دستیابی به یک توافق هسته‌ای جدید آغاز کند؛ اظهاراتی که در عین حال با تأکید آشکار بر قدرت‌نمایی نظامی آمریکا همراه بود.

پیام واشنگتن به تهران عامدانه دوپهلو طراحی شده است: مذاکره روی میز است، اما زیر سایه تهدید دائمی. به گفته ناظران، تقویت حضور نظامی آمریکا در منطقه نیز صرفاً جنبه دفاعی ندارد، بلکه بخشی از یک راهبرد فشار حساب‌شده است

به گزارش فرارو، این سخنان در حاشیه حضور دونالد ترامپ در مراسم اکران فیلم مستند «ملانیا» درباره همسرش، بانوی اول ایالات متحده، در مرکز کندی واشنگتن مطرح شد. هنگامی که خبرنگاری از او پرسید آیا طی روزهای اخیر با ایران مذاکره‌ای داشته است، ترامپ بی‌درنگ پاسخ داد: «بله، داشته‌ام و قصد دارم مذاکرات بیشتری هم انجام دهم.»

ترامپ در ادامه، در پاسخ به پرسشی درباره امکان آغاز دور جدیدی از گفت‌وگوها با تهران، گفت: «من قبلاً این کار را انجام داده‌ام و باز هم انجامش خواهم داد.» او بلافاصله تاکید کرد: «در حال حاضر، کشتی‌های بسیار بزرگ و بسیار قدرتمندی داریم که به سمت ایران در حرکت هستند.» عبارتی که بار دیگر نشان داد دیپلماسی مورد نظر او از فشار نظامی جدا نیست.

پیش‌تر، رسانه‌های آمریکایی گزارش داده بودند که دولت ترامپ با هماهنگی اسرائیل و چند کشور دیگر، فهرستی از «بانک اهداف» در ایران تهیه کرده است؛ فهرستی که در صورت هرگونه اقدام نظامی آینده، می‌تواند مبنای حملات قرار گیرد. وال‌استریت ژورنال نیز نوشته است که ترامپ با تکیه بر گزارش‌ها و اطلاعات به‌روزشده ، گزینه‌های مختلف برای اجرای یک «حمله بزرگ» علیه ایران را مورد بررسی قرار داده است. پیت هگست، وزیر جنگ ایالات متحده، اعلام کرد که وزارت جنگ آمریکا آمادگی کامل دارد هر اقدامی را که دونالد ترامپ ضروری بداند به اجرا بگذارد.

عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، با تأکید بر بی‌اعتمادی عمیق تهران نسبت به رفتار واشنگتن در قبال توافق‌ها و مذاکرات گذشته، تصریح کرد که ایران هیچ‌گونه دیکته خارجی را نخواهد پذیرفت و همچنان به دفاع از امنیت و ثبات خود و نیز امنیت و ثبات منطقه پایبند خواهد ماند. عراقچی این مواضع را در یک کنفرانس مطبوعاتی مشترک با هاکان فیدان، وزیر امور خارجه ترکیه در استانبول مطرح کرد و با هشدار نسبت به پیامدهای گسترده هرگونه تشدید نظامی احتمالی، گفت تهدید علیه ایران موضوعی محدود و دوجانبه نیست، بلکه می‌تواند کل جغرافیای منطقه را تحت تأثیر قرار دهد و بی‌ثباتی فراگیری ایجاد کند.

وزیر امور خارجه ایران با اعلام آمادگی تهران برای بازگشت به مذاکرات هسته‌ای، تأکید کرد که این مذاکرات تنها در صورتی معنا خواهد داشت که بر پایه برابری، احترام متقابل و تأمین منافع مشترک شکل بگیرد. او صراحتاً گفت ایران تحت فشار و سیاست‌های تحمیلی وارد گفت‌وگو نخواهد شد و منطق زور را جایگزین دیپلماسی نمی‌پذیرد.

اکونومیست: مذاکره در سایه تهدید؛ گزینه نظامی علیه تهران روی میز و آماده اجراست

گزارش تحلیلی از نشریه اکونومیست پرده از دوگانگی آشکار در رویکرد دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، در قبال ایران برداشته و تأکید کرده است که سخنان او درباره آمادگی برای توافق، بیش از آنکه نشانه‌ای از دیپلماسی باشد، «پوششی » برای آماده‌سازی صحنه تشدید تنش و توسل به گزینه نظامی است.

بر اساس این گزارش، هشدارهای تند ترامپ در اواخر ژانویه مبنی بر حرکت «ناوگانی عظیم به سوی ایران» نه‌تنها لحنی آشتی‌جویانه نداشت، بلکه در فضایی مطرح شد که او هم‌زمان وعده حمایت از معترضان ایرانی را مطرح و سپس از آن عقب‌نشینی کرد. تمرکز بعدی ترامپ بر برنامه هسته‌ای ایران، موشک‌های بالستیک و سیاست منطقه‌ای تهران نشان‌دهنده تغییر هدف نیست، بلکه تشدید فشار در قالبی تازه است. او آشکارا تهدید کرده است که هرگونه امتناع ایران از رسیدن به توافق، با حملاتی «به‌مراتب شدیدتر» از گذشته پاسخ داده خواهد شد.

تحلیلگران معتقدند پیام واشنگتن به تهران عامدانه دوپهلو طراحی شده است: مذاکره روی میز است، اما زیر سایه تهدید دائمی. به گفته ناظران، تقویت حضور نظامی آمریکا در منطقه نیز صرفاً جنبه دفاعی ندارد، بلکه بخشی از یک راهبرد فشار حساب‌شده است. استقرار یک ناو هواپیمابر پیشرفته، ناوشکن‌های مجهز به موشک‌های تهاجمی و هواپیماهای جنگ الکترونیک، همگی این پیام را منتقل می‌کند که ایران باید همواره خود را در آستانه حمله تصور کند.

در حالی که دولت آمریکا از دستیابی به «توافقی جامع» سخن می‌گوید، نشانه‌های میدانی حاکی از آن است که گزینه زور هرگز از دستور کار خارج نشده است. ابهام درباره اهداف احتمالی حمله از ضربات نمادین محدود گرفته تا عملیات گسترده‌تر علیه رأس هرم قدرت یا سناریوهای ترکیبی نه نشانه سردرگمی، بلکه بخشی از خود راهبرد بازدارنده تلقی می‌شود؛ جایی که تهدید، مؤثرترین ابزار فشار است.

در این چارچوب، اکونومیست تأکید می‌کند که ترامپ از مذاکره نه به‌عنوان مسیر نهایی، بلکه به‌عنوان ابزاری برای اعمال فشار استفاده می‌کند. پیشنهاد توافق با ضرب‌الاجل زمانی همراه است؛ تجربه‌ای که پیش‌تر نیز تکرار شده، زمانی که مهلت کوتاه به ایران داده شد و چند روز بعد، گزینه نظامی فعال شد. همه چیز به پذیرش شروط واشنگتن گره خورده و در غیر این صورت، «جایگزین» از پیش آماده است. در نهایت، تهران با معادله‌ای دشوار روبه‌روست: یا ورود به مذاکراتی که زیر سایه زور شکل گرفته است یا پذیرش خطر رویارویی نظامی‌ای که می‌تواند از کنترل خارج شود.

خاورمیانه در آستانه لغزش بزرگ؛ دیپلماسی زیر سایه ناوها و بمب‌افکن‌ها

دیوید هرست در یادداشتی در نشریه میدل ایست ای با ترسیم فضای «لبه تیغ» در خاورمیانه، استدلال می‌کند که نشانه‌های یک رویارویی بزرگ با سرعت در حال بازگشت است: از نزدیک‌شدن ناوگروه آبراهام لینکلن و استقرار جنگنده‌ها و بمب‌افکن‌ها گرفته تا احتمال فعال‌سازی سامانه‌های پدافندی و هم‌زمان، اوج‌گیری روایت‌سازی رسانه‌ای اسرائیلی درباره آمادگی لجستیکی و اطلاعاتی برای حمله. هرچند برخی بازیگران منطقه‌ای مانند امارات تلاش می‌کنند فاصله‌گذاری علنی انجام دهند و استفاده از خاک و آسمان خود را انکار کنند، نویسنده معتقد است تهران این تکذیب‌ها را باور نخواهد کرد و هرگونه درگیری را در چارچوبی منطقه‌ای و فراتر از اسرائیل و پایگاه‌های آمریکا پاسخ خواهد داد.

دیوید هرست هشدار می‌دهد که نتانیاهو پس از ناکامی در پروژه‌های منطقه‌ای خود، ممکن است حمله دوباره به ایران را «آخرین قمار» بداند؛ قماری که سناریوهای آن از ارعاب نخبگان و مهندسی رهبری جایگزین تا فروپاشی داخلی و تجزیه ایران امتداد می‌یابد. نتیجه‌گیری صریح او این است که بقای ایران، صرفاً مسئله‌ای ملی نیست، بلکه به‌مثابه آخرین سد در برابر هرج‌ومرج، جنگ داخلی و بی‌ثباتی فراگیر منطقه عمل می‌کند.

برت مک گورک در یادداشتی در شبکه سی.ان.ان استدلال می‌کند تأکید ترامپ بر جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، در تضاد با مطالبات گسترده‌تر اطرافیان او درباره مهار برنامه موشکی و قطع حمایت از نیروهای نیابتی، تصویری مبهم و متناقض از مسیر پیش‌رو ترسیم کرده و عملاً هر چشم‌انداز منسجم دیپلماتیک را تیره ساخته است. در چنین فضایی، اروپا نیز با تشدید تحریم‌ها و قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی، به منطق تقابل نزدیک‌تر شده و گزینه دیپلماسی عملاً از دستور کار خارج شده است.

نویسنده سپس سه سناریوی نظامی پیشِ روی ترامپ را ترسیم می‌کند: تشدید محاصره اقتصادی و فشار نفتی با پیامدهای فرسایشی، حملات تنبیهی محدود با خطر واکنش موشکی ایران و در نهایت، خطرناک‌ترین مسیر یعنی هدف‌گیری رأس حاکمیت و تلاش برای تغییر رهبری یا نظام. جمع‌بندی نویسنده صریح است: هیچ‌یک از این گزینه‌ها مطلوب نیست، اما با توجه به استقرار گسترده دارایی‌های نظامی آمریکا و انتخاب سرکوب به‌عنوان راهبرد مسلط در تهران، احتمال لغزش بحران به سمت درگیری نظامی، بیش از هر زمان دیگری افزایش یافته است.

فریدون مجلسی، دیپلمات سابق ایرانی و تحلیلگر سیاست خارجی، با اشاره به تشدید فعالیت‌های نظامی آمریکا در منطقه، تأکید کرد که این لزوماً به معنای اجتناب‌ناپذیر بودن جنگ نیست. وی در پاسخ به سوالی در مورد محتمل‌ترین سناریو با توجه به ادامه تقویت نظامی ایران در منطقه، به ارم نیوز گفت: «محتمل‌ترین سناریو در صورت وقوع یک رویارویی نظامی، جنگ تمام‌عیار زمینی یا دریایی نخواهد بود، بلکه حملات هوایی متمرکز با هدف قرار دادن حریم هوایی ایران خواهد بود. او توضیح داد که هدف اصلی چنین حمله‌ای، وارد کردن خسارت به زیرساخت‌های لجستیکی و نظامی ایران به ویژه تأسیسات موشکی و مراکز فرماندهی و کنترل، با هدف کاهش توانایی تهران برای انجام هرگونه تلافی احتمالی علیه اسرائیل خواهد بود.

دنیس سیترینوویچ، تحلیلگر ارشد مسائل ایران در موسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل در توئیتی نوشت: مسئله، طبعاً، صرفِ ازسرگیری مذاکرات به‌خودیِ خود نیست. ایران، در اصل، از مدت‌ها پیش آمادگی داشته است که وارد گفت‌وگو با ایالات متحده شود؛ به‌ویژه اگر چنین گفت‌وگوهایی بتواند به تعویق انداختن یا جلوگیری از یک حمله نظامی کمک کند. پرسش واقعی این است که آیا ایالات متحده آماده خواهد بود تمرکز خود را صرفاً بر مسئله هسته‌ای معطوف کند؛ همان‌گونه که دست‌کم در سطح گفتاری، در اظهارات اخیر دونالد ترامپ، با تأکید بر این‌که ایران نباید به سلاح هسته‌ای دست یابد، القا شده است. یا اینکه دولت آمریکا همچنان قصد دارد محدودیت‌هایی را بر برنامه موشکی ایران و حمایت تهران از نیروهای نیابتی منطقه‌ای مطالبه کند؛ مطالباتی که از نگاه تهران، به‌روشنی از خطوط قرمز تعیین‌شده از سوی رهبر جمهوری اسلامی عبور می‌کند.

مجموع این گزارش‌ها تصویری واحد از یک راهبرد دوگانه ارائه می‌دهد: دولت ترامپ هم‌زمان که از تماس و آمادگی برای توافق هسته‌ای با ایران سخن می‌گوید، با تقویت حضور نظامی، تهدید صریح به حمله و آماده‌سازی سناریوهای مختلف، دیپلماسی را در سایه زور پیش می‌برد. تحلیل اکونومیست، هشدارهای تحلیلگران غربی و اسرائیلی و اظهارات مقامات ایرانی همگی نشان می‌دهد که مذاکره برای واشنگتن بیش از آنکه مسیر حل‌وفصل باشد، ابزاری برای فشار است. در مقابل، ایران ضمن اعلام آمادگی مشروط برای گفت‌وگو، هرگونه مذاکره تحمیلی را رد کرده و نسبت به پیامدهای منطقه‌ای تشدید تنش هشدار می‌دهد. در این میان، خاورمیانه در وضعیت شکننده‌ای قرار گرفته که کوچک‌ترین خطای محاسباتی می‌تواند بحران را از سطح تهدید و فشار، به رویارویی نظامی گسترده سوق دهد.

هشدار رسانه انگلیسی به ترامپ درباره عواقب حمله به ایران

«ایندیپندنت» در گزارشی حمله احتمالی آمریکا به ایران را «باخت-باخت» توصیف و تاکید کرد که اروپا هم‌اکنون باید رئیس جمهور آمریکا را متقاعد کند که این حمایت از اوکراین است که برای واشنگتن «برد-برد» است.

به گزارش سیاست خارجی ایرنا، «سَم کیلی» تحلیلگر و سردبیر ارشد روزنامه برخط «ایندیپندنت» مستقر در لندن نوشت: تازه‌ترین اقدام دونالد ترامپ در حوزه سیاست خارجی درباره اوکراین، آشفته، غیراصولی و در عین حال به‌طرزی خطرناک موثر است؛ اقدامی که شاید بتواند در شرایط کاهش محسوس دما و زمستانی سخت که غیرنظامیان را در خانه‌های یخ‌زده حبس کرده، وقفه‌ای کوتاه در بمباران‌های روسیه ایجاد کند.

خطر اما در بهایی است که او انتظار دارد تا در ازای یک توافق یک‌هفته‌ای از ولادیمیر پوتین برای دست کشیدن از حمله به اوکراین، دریافت کند. امتیازی که بی‌تردید مطالبه خواهد کرد این است که کی‌یف بدون شلیک حتی یک گلوله، در برابر یک «آتش‌بس» طولانی‌تر، به خواسته‌های کرملین تن دهد و قدرتمندترین خطوط دفاعی و شهرهای و استحکامات نظامی مستقر در آنها را واگذار کند.

به ادعای نگارنده، دونالد ترامپ در اوکراین از طرف اشتباه حمایت کرده است. نگارنده همچنین باور دارد که رئیس جمهوری آمریکا ممکن است به‌زودی جنگی را علیه ایران آغاز کند که قادر به کنترلش نخواهد بود.

مذاکره‌کنندگان آمریکایی تلاش کرده‌اند تا ولودیمیر زلنسکی، رئیس جمهوری روسیه را راضی کنند که با واگذاری کامل دونتسک و بخش عمده‌ای از استان‌های زاپروژیا و خرسون موافقت کند. دولت آمریکا تمام کمک‌های نظامی به اوکراین را قطع کرده و تنها جریان اطلاعاتی محدودی را در اختیار نیروهای کی‌یف قرار می‌دهد؛ اقدامی که زیرساخت‌های انرژی این کشور را در برابر حملات هوایی روسیه به اندازه‌ای آسیب‌پذیر کرده است که بیشتر اوکراینی‌ها در خانه‌هایشان برق ندارند.

اما او آنچه که «آرماداِ(ناوگان جنگی عظیم)» می‌نامد را در اختیار دارد؛ ناوگانی تحت فرماندهی ناو هواپیمابر کلاس نیمیتز «یواس‌اس آبراهام لینکلن» که ایران را تهدیدمی‌کند.

این حجم از قدرت آتش، پشتوانه‌ای چشمگیر برای خواسته‌های او از تهران است تا از برنامه هسته‌ای آسیب‌دیده و قوای موشکی نیرومندش دست بکشد و حمایت از آنچه گروه‌های نیابتی در منطقه خوانده است را پایان دهد.

او تمام ادعا و حرف‌ها درباره مداخله در ایران برای حمایت از معترضان اعتراضات اخیر در این کشور را کنار گذاشته و این در حالی است که «خود مردم را به حضور در خیابان‌ها تشویق کرده و وعده داده بود که به اصطلاح "کمک در راه است".»

آمریکا و متحدانش در گذشته، گاه با پشتوانه سازمان ملل، در مناطقی همچون سومالی، یوگسلاوی سابق و حتی لیبی، به نام «نجات مردم از افراط‌گرایی، جنگ‌سالاران یا نسل‌کشی» مداخله کرده‌اند. ترامپ بی‌آنکه برنامه‌ای برای «فردای» پس از حمله داشته باشد، همچنان تهدید به حمله به کشوری مستقل می‌کند.

خبر

عباس عراقچی:

برای مذاکرات ثمربخش باید فضای تهدید از بین برود

وزیر امور خارجه در گفت‌وگو با شبکه خبری سی‌ان‌ان ترک گفت که برای مذاکرات واقعی و نتیجه‌بخش، ابتدا باید فضای تهدید و فشار از بین برود و بدون توافق بر سر چارچوب، محتوا و قواعد مذاکرات، پیشرفتی حاصل نخواهد شد.

به گزارش ایرنا، سید عباس عراقچی پس از دیدار دیروز (۱۰ بهمن) با رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه، با شبکه خبری سی‌ان‌ان ترک گفت‌وگو کرد.

عراقچی به سی‌ان‌ان ترک گفت که در جریان سفرش به آنکارا، با رجب طیب اردوغان و هاکان فیدان دیدار و در مورد یافتن راه‌حل‌هایی برای مشکلات منطقه‌ای از طریق دیپلماسی تبادل‌نظر کرده است.

سید عباس عراقچی گفت: «دیدگاه‌های ترکیه در مورد ایران همیشه بسیار سازنده بوده است و این برای ما بسیار مهم است. به‌ویژه در طول جنگ ۱۲ روزه بین ایران و رژیم اشغالگر اسرائیل، شاهد رویکرد بسیار سازنده ترکیه بودیم. پیوند بسیار محکمی بین ملت‌های ایران و ترکیه وجود دارد. رئیس‌جمهور اردوغان گفت "استفاده از دیپلماسی به نفع منطقه است." ترکیه نیز در تلاش برای یافتن راه‌حلی در منطقه است. ما این تلاش‌ها را مثبت ارزیابی می‌کنیم.»

وزیر امور خارجه کشورمان در مورد مذاکرات احتمالی با آمریکا هم اظهار داشت که در حال حاضر هیچ مبنای جدی برای مذاکره با واشنگتن وجود ندارد.

عراقچی با تأکید بر اینکه برای یک مذاکره واقعی و ثمربخش ابتدا باید فضای تهدید و فشار از بین برود، اظهار داشت که بدون ایجاد زمینه مشترک در مورد محتوا، شکل و قوانین مذاکره، پیشرفتی حاصل نمی‌شود.

سید عباس عراقچی با اشاره به اینکه آمریکا اغلب تلاش می‌کند از طریق کشورهای ثالث با ایران تماس بگیرد، گفت که ایران آماده دیپلماسی منصفانه و متعادل است. با این حال، عراقچی با تأکید بر اینکه مذاکرات را نمی‌توان از طریق دیکته انجام داد، افزود که بدون احترام متقابل و شرایط برابر، توافق منصفانه امکان‌پذیر نیست.

اگر حمله‌ای صورت گیرد، قویاً پاسخ خواهیم داد

رئیس دستگاه دیپلماسی ایران با بیان اینکه حملات خردادماه ناامنی زیادی برای ایران ایجاد کرده است، گفت که اگر آمریکا واقعاً خواهان دیپلماسی است، باید به این ناامنی رسیدگی کند. عراقچی با اشاره به توانایی‌های دفاعی ایران تأکید کرد که به هرگونه حمله احتمالی، پاسخی قوی و قاطع داده خواهد شد. او با بیان اینکه حمله خردادماه گذشته ناموفق بود، اظهار داشت که اگر وضعیت مشابهی تکرار شود، همان نتیجه حاصل خواهد شد و افزود: «اگر حمله‌ای صورت گیرد، ما با پاسخی کوبنده، خشن و بسیار قوی پاسخ خواهیم داد.»

اولویت ما دیپلماسی است

علی‌رغم همه این تحولات، عراقچی بار دیگر اظهار داشت که اولویت ایران دیپلماسی است و افزود که امیدوارند عقل و گفت‌وگو پیروز شود.

سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، در مورد تحولات امنیتی منطقه و رویکرد ایران به سناریوهای احتمالی اظهاراتی مطرح و تأکید کرد که ایران قدرت دفاع از خود را دارد و اظهار داشت: «ما ظرفیت دفاع از خود را داریم؛ ما به کسی نیاز نداریم.»

عراقچی خاطرنشان کرد که سیستم‌های دفاعی بیشتر تقویت خواهند شد، اما از ارائه جزئیات خودداری کرد.

خود را برای هر احتمالی آماده کرده‌ایم

در مورد مسائل مربوط به حضور ناوشکن‌های نیروی دریایی ایالات متحده و افزایش تحرکات نظامی در منطقه که ایران را تهدید می‌کند، عراقچی گفت که گزارش‌های اطلاعاتی از نزدیک رصد می‌شوند و برای هر احتمالی آماده‌سازی‌هایی انجام می‌شود.

او خاطرنشان کرد که رژیم صهیونیستی و انتخابات اسرائیل عوامل تعیین‌کننده‌ای در این فرآیند نیستند و افزود: «ما خود را برای هر احتمالی آماده کرده‌ایم.»

موضع اتحادیه اروپا تنش در منطقه را تشدید کرد

سید عباس عراقچی همچنین در ادامه با انتقاد شدید از اقدام تحریک‌آمیز اتحادیه اروپا در تعیین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران به عنوان «یک سازمان تروریستی»، این تصمیم را یک «اشتباه استراتژیک بزرگ» خواند. او با بیان اینکه سپاه پاسداران نقش مهمی در مبارزه با داعش و سایر سازمان‌های تروریستی ایفا می‌کند، گفت که موضع اروپا تنش در منطقه را کاهش نمی‌دهد، بلکه آن را تشدید می‌کند.

رزمایش در تنگه هرمز

نمایش آمادگی دفاعی ایران در برابر تهدیدات آمریکا

کارشناس مسائل بین‌الملل گفت: ایران با برگزاری رزمایش در تنگه هرمز درصدد است میزان آمادگی دفاعی خود را در برابر تهدیدهای آمریکا به نمایش بگذارد و قطعاً در این رزمایش بخشی از توانمندی‌های نظامی ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد.

به گزارش ایسنا، رزمایش نظامی ایران در تنگه هرمز در شرایطی برگزار می‌شود که تحولات امنیتی و سیاسی منطقه با حساسیت‌های فزاینده‌ای همراه شده است. تنگه هرمز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های راهبردی جهان در حوزه انرژی، همواره جایگاه ویژه‌ای در معادلات امنیتی منطقه‌ای و بین‌المللی داشته و برگزاری رزمایش در این منطقه، بیانگر اهمیت آن در راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران است.

بر اساس تحلیل کارشناسان، یکی از اهداف اصلی این رزمایش، نمایش سطح آمادگی نیروهای مسلح ایران در برابر تهدیدات احتمالی و تقویت بازدارندگی دفاعی کشور است. در شرایطی که فشارهای سیاسی و تحریم‌های خارجی علیه ایران افزایش یافته، برگزاری چنین رزمایش‌هایی می‌تواند پیامی روشن به طرف‌های مقابل درباره توانمندی‌های دفاعی ایران و هزینه‌های هرگونه اقدام نظامی ارسال کند.

همچنین در صورت مشارکت کشورهایی مانند روسیه و چین، این رزمایش از ابعاد بین‌المللی مهمی برخوردار خواهد بود. همکاری نظامی ایران با این کشورها در منطقه‌ای حساس مانند تنگه هرمز می‌تواند نشانه‌ای از تقویت همکاری‌های امنیتی و راهبردی میان این کشورها تلقی شود و این پیام را منتقل کند که ایران در عرصه بین‌المللی تنها نیست و از تعاملات نظامی با برخی قدرت‌های تأثیرگذار جهانی برخوردار است.

در کنار اهداف فرامنطقه‌ای، این رزمایش حامل پیام‌هایی برای کشورهای منطقه نیز ارزیابی می‌شود. برخی تحلیل‌ها حاکی از آن است که ایران از طریق برگزاری این رزمایش، بر ضرورت حفظ امنیت منطقه توسط کشورهای منطقه و پرهیز از فراهم کردن بستر برای اقدامات نظامی خارجی تأکید دارد. از این منظر، رزمایش تنگه هرمز را می‌توان در چارچوب سیاست‌های دفاعی و بازدارنده ایران و با هدف تأثیرگذاری بر معادلات امنیتی منطقه مورد ارزیابی قرار داد.

اینکه چین و روسیه در رزمایش شرکت کنند نشانگر حمایت آنها از ایران در برابر تهدیدات آمریکاست

«سیدرضا میرطاهر» در گفت‌وگو با ایسنا در ارتباط با اخبار منتشرشده مبنی بر برگزاری رزمایش از سوی ایران در تنگه هرمز گفت: این رزمایش در مقطعی برگزار می‌شود که اتحادیه اروپا اقدام به تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کرده و تحریم‌هایی نیز علیه برخی از نهادها و شخصیت‌های ایرانی اعمال کرده است که هدف از این اقدامات، مشروع‌سازی حمله احتمالی آمریکا به ایران است.

میرطاهر همچنین درباره برخی گزارش‌ها مبنی بر رزمایش مشترک ایران، چین و روسیه طی روزهای آتی ادامه داد: اینکه گفته می‌شود چین و روسیه نیز در این رزمایش شرکت دارند، در حالی که ناو آبراهام لینکلن نیز در منطقه حضور پیدا کرده، نشانگر حمایت آنها از ایران در برابر تهدیدات آمریکاست.

ایران در رزمایش بخشی از توانمندی‌های دفاعی خود را برای قدرت‌نمایی به نمایش می‌گذارد

این کارشناس مسائل بین‌الملل با بیان اینکه «قطعاً این رزمایش در راستای آمادگی ایران جهت تقابل با حمله احتمالی آمریکا انجام می‌شود و ایران در این رزمایش بخشی از توانمندی‌های خود را در عرصه دفاعی برای قدرت‌نمایی به نمایش می‌گذارد»، گفت: درواقع ایران تلاش می‌کند در این رزمایش میزان توان دفاعی خود را به آمریکایی‌ها نشان دهد.

میرطاهر با بیان این اعتقاد که «این رزمایش هشداری به کشورهای منطقه نیز هست؛ چراکه با وجود اینکه برخی از کشورهای منطقه اعلام کرده‌اند اجازه نمی‌دهند آمریکا از حریم هوایی و زمینی آنها برای حمله به ایران استفاده کند» گفت: برخی گزارش‌ها مؤید این موضوع است که عملاً آمریکا به دنبال استفاده از فضاهایکشورهای منطقه برای حمله به ایران است و در واقع یکی از اهداف این رزمایش، در چارچوب اهداف منطقه‌ای، هشدار به کشورهای منطقه است تا به‌صورت جدی و عملی اجازه ندهند آمریکا از فضای آنها برای حمله به ایران استفاده کند.